



وضع فرهنگ ایران

نموداری از کیفیت و کمیت کار فرهنگ با استفاده از نشریه «سنجش پیشرفت و عملکرد برنامه عمرانی هفت ساله دوم ایران»

تعیین ارزش برنامه‌های فرهنگی که با کمک سازمان برنامه اجرامی گردد، بدون در نظر گرفتن وضع عمومی فرهنگ ایران میسر نیست. تعداد اطفالی که در سن رفتن بدبستان میباشند در حدود ۲۸۴ میلیون نفر و تعداد پسران و دخترانی که در سن رفتن بدبیرستان میباشند ۲۰۹ میلیون نفر برآورده شده است. در هر صورت طبق برآوردهائی که بعمل آمده از تعداد کل اطفالی که در سن رفتن به مدرسه میباشند فقط ۴۰ درصد بدبستان میروند و فقط ۱۱ درصد نوجوانانیکه بین سن ۱۸-۱۲ سال میباشند در دبیرستانها مشغول تحصیل هستند و بطور متوسط ۳۳ درصد از اطفال در دبستانها و دبیرستانها مشغول تحصیل میباشند بنا بر این تسهیلات فقط برای میزان محدودی از اطفال میسر است. با اینکه در شهرها کمبود مدارس و معلمان وجود دارد و تعداد دانش آموزان نسبت به تعداد معلمان زیاد است معینا شهرها بمراتب پیش از دهات که جمعیت اطفال آنها

در حدود سه برابر عده اطفال در شهرها میباشند از تسهیلات فرهنگی برخوردار هستند. آمار قابل اعتمادی از میزان افزایش اطفال در دست نیست اما حتی در صورت ثابت ماندن میزان تولد کاهش مرگ و میر اطفال بتهائی کافی است که جمعیت اطفال را که در سن دبستان رفتن هستند افزایش دهد. مسئله فوق باندازه‌ای خطیر است که حتی چنانچه هبالغ هنگفتی برای توسعه فرهنگ اختصاص یابد و بطور صحیح هم بمصرف برسد معینا ممکن است ایران بتواند تا مدت مدیدی نسبت دانش آموزان را به کل جمعیت بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش دهد. فشارهایی که از طرف عده کثیری از مردم جهت اصلاح برنامه آموزشی مدارس و دانشگاهها بعمل می‌آید و همچنین احتیاج بایجاد مؤسسات آموزشی حرفه‌ای جهت تامین احتیاجات فنی کشور مسئله کمبود مدارس و معلمان را مشکلتر مینماید.

کمبود معلم:

افزایش تعداد معلمان از ازدیاد

مدارس مشکلتر است. بطوریکه فوقا اشاره شد نسبت دانش آموزان بتعداد معلمان زیاد بوده و این خود تا اندازه‌ای علت زیاد بودن شماره دانش آموزان را در بسیاری از کلاسهای درس معلوم مینماید. برای تربیت معلمان شایسته جهت تعویض دبیرستانها و دبیرستانها سه سال وقت لازم است.

معلمان دبستانها در مدارس مخصوص بنام «دانشرا» تربیت می‌شوند و در سن ۱۸ سالگی فارغ التحصیل میگردند. دبیران دبیرستانهای غیر حرفه‌ای بدانشسراهای عالی میروند و در سن ۲۱ سالگی فارغ التحصیل میشوند. در حال حاضر هر سال فقط ۵۰۰ آموزگار جدید از دانشسراهای مقدماتی فارغ التحصیل میشوند.

این عده فقط برای تدریس ۱۲۰۰۰ دانش آموز جدید کافی خواهد بود (فرض بر اینکه برای هر ۳۰ دانش آموز یک معلم موجود باشد و عده‌ای نیز برای جانشین شدن آموزگارانیکه بازنشسته و مستعفی یافت میشوند منظور شود.)

چنانچه تعداد شاگردان دبستانها از قرار سالی ۱۲۰۰۰ افزایش یابد پس از ۲۵ سال تنها برای ۶۰ درصد تعداد کنونی اطفالیکه در سن مدرسه میباشند معلمان صلاحیتدار وجود خواهد داشت. (با فرض باینکه وضع کنونی کلاسها که زیاده از حد شلوغ است ادامه پیدا کند) چنانچه آموزگاران فارغ التحصیل دانشسراهای مقدماتی در پنج سال آینده دو برابر شود باز هم مدت ۴۰ سال وقت لازم است تا تعداد کنونی اطفال را در کلاسهای ۳۰ نفری جای داد.

ارقام فوق نشان میدهد که چرا وزارت فرهنگ در حال حاضر مجبور است تعداد زیادی آموزگاران را که دوره دانشسراهای مقدماتی را طی نکرده‌اند استخدام نماید.

وضع دبیرستانها بشدت وخامت وضع دبستانها نمیباشد زیرا تعلیمات متوسطه برای عموم فعلا جزو هدف های دولت نیست معذک اگر روزی





صندلیهای مدرن (!)

اینهم مدرن ترین صندلیهای کوبیک است که يك پارچه از آلومینیوم و شکل انسان نشسته ساخته شده است . (آقای جی دوبلن) مخترع آن عقیده دارد این نوع صندلی هم ارزان است و هم سبك بنا برین در آینده جای نیمکتها و صندلیها را درخانهها خواهد گرفت .

تصمیم گرفته شود که اقدامی در این زمینه انجام شود مشکلات بسیار بزرگی بوجود خواهد آمد زیرا نسبت دانش-آموزان دبیرستان ها بگروه اطفالی که در سن دبیرستانی هستند بسیار کم و ناچیز است .

در حال حاضر دو دانشسرای عالی که دبیران صلاحیتدار برای دبیرستان ها تربیت میکنند وجود دارد (دانشسرای عالی تهران و تبریز) در دو دانشسرای عالی فوق در حدود ۹۰۰ نفر دانشجو مشغول تحصیل هستند و حدود اکثر تعداد فارغ التحصیلان ۲۵۰ نفر در سال میباشد . وزارت فرهنگ پیش بینی نموده است که چنانچه دو دانشسرای فوق بتوانند ظرفیت کلاسهای ورودی خود را از ۴۰۰ نفر کنونی به ۱۰۰۰ نفر در سال افزایش دهند در مدت هفت سال احتیاج کشور به دبیران فارغ التحصیل دانشسرای عالی تامین خواهد شد . چون رسیدن به هدف فوق یعنی تربیت دبیران به میزان بیشتری آسان نخواهد بود بدیهی است که کمبود فعلی دبیران صلاحیتدار تا چندین سال دیگر ادامه خواهد داشت .

کمبود فعلی را اینک با استفاده از دبیرانی که صلاحیت کافی ندارند و یا با افزایش تعداد دانش آموزان در کلاس های درس میتوان رفع نمود .
تعلیمات حرفه ای:
برنامه تعلیمات حرفه ای با وجود

اعتبارات نسبت کم و مخالفت عده ای از مریبان فرهنگی و سعی آنها در تقلیل اهمیت توسعه این رشته بر اثر ابتکار و فعالیت وزارت فرهنگ پیشرفت های قابل ملاحظه ای نموده است .

در سال ۱۳۳۳ دوازده دبیرستان حرفه ای که ۱۲۰۰ نفر دانش آموز در آنها مشغول تحصیل بودند در ایران وجود داشت .

تا پایان سال ۱۳۳۸ تعداد مدارس حرفه ای بالغ بر ۳۴ عدد با ۴۰۰۰ نفر دانش آموز بوده است . بنا بر این در طی مدت پنج سال وسعت برنامه تعلیمات حرفه ای پنج برابر شده است .

معینا افزایش فوق کمتر از میزان تعلیمات حرفه ایست که برای تامین نیازمندی های کشور در چند سال آینده لازم خواهد بود . از طرف دیگر افزایش مدارس حرفه ای به میزان متساوی در نواحی ایران توزیع نشده است و در نتیجه بعضی از شهرهای بزرگ هنوز فاقد مدرسه حرفه ای می باشند . مسئله مهمتر دیگر بالا بردن سطح معلومات در مدارس حرفه ایست که تا کنون تاسیس شده است .

معلمین با تجربه برای آموختن تعلیمات حرفه ای وجود ندارد و حتی معلمین ذیصلاحیت و لو بدون داشتن تجربه نیز کمیاب هستند .

همین مسئله در مورد مدیران جهت تنظیم برنامه و اداره اینگونه

مدارس وجود دارد . کمبود نیروی انسانی خبره مانع پیشرفت اقتصادی ایران در چند سال آینده خواهد بود و اجرای يك برنامه اساسی تعلیمات حرفه ای میتواند کمک مؤثری برای مرتفع نمودن این کمبود بنماید .

معینا گمان میرود که بیشتر کسانی که تازه پانزده سال بعد مهارت و تخصص در کار خواهند یافت اشخاصی خواهند بود که بدون شرکت در مدارس حرفه ای از مجرای غیر رسمی یعنی از تجربه ضمن کار خبرگی بدست آورده اند .

یکی از مزایای مهم تعلیمات حرفه ای اینست که افراد در مدت کوتا هتر و با کیفیت بهتری معلومات و تجربیات فنی را فرا میگیرند .

فقدان برنامه های کار آموزی در حین انجام کار با اهمیت مدارس حرفه ای در ایران میافزاید .

نتایج مطالعه قسمت نیروی انسانی سازمان برنامه مطالب فوق را تأیید مینماید . آمار این مطالعه نشان میدهد که در سال ۱۳۳۷ کمبود کارگران خبره ۱۱۰۰۰ نفر بوده است و بیش بینی میشود که تا سال ۱۳۴۲ تعداد افراد خبره مورد احتیاج کشور تقریباً ۲۴۰۰۰ نفر بیش از تعداد سال ۱۳۳۷ خواهد بود .

در مقابل توسعه سریع مشاغل

تخصصی فقط چند مؤسسه حرفه ای وجود دارد که میتواند حداکثر نصف تعداد افراد خبره مورد نیاز را تأمین نماید .

تعداد فارغ التحصیلان مدارس حرفه ای بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ نفر در سال خواهد بود و ارتش نیز دارای برنامه های کار آموزی است که سالیانه ۸۰۰ نفر کار آموز دوره آن را طی مینمایند . تعداد کارآموزان سایر وزارتخانه ها نیز در حدود ۸۰۰ نفر در سال میباشد . تعداد کل فارغ التحصیلان برنامه های کار آموزی فوق در هر سال تقریباً ۲۳۰۰ نفر میباشد و در طی پنج سال مجموع فارغ التحصیلان به میزان فوق کمتر از نصف افراد خبره مورد احتیاج خواهد بود .

آموزشگاهها و هنرستانها: سیکل اول و دوم دبیرستانهای حرفه ای

برنامه مدارس حرفه ای برای پرورش مهارتهای غیر کشاورزی شامل دو نوع مدرسه است که دوره هر کدام سه سال میباشد .

آموزشگاهها که دارای سیکل اول میباشد (در ایران ۱۲ آموزشگاه که دارای ۲۲۰۰ دانش آموز میباشد وجود دارد) و هنرستانها که دارای سیکل دوم هستند (در ایران ۱۰ هنرستان پسران با ۳۰۰۰ نفر دانش آموز و ۷ هنرستان دختران با ۶۰۰ دانش آموز وجود دارد) و پنج دبیرستان که دارای سیکل اول و دوم میباشد وجود دارد در هر صورت لازم نیست که دوره آموزشگاه

برای ادامه تحصیل به هنرستانها بروند زیرا آموزشگاهها بیشتر برای آموختن مهارتهای دستی به کارگران و هنرستانها جهت تربیت بالاتر از سطح کارگر مشاغل (یعنی کسانی که سرکارگر خواهند شد) در نظر گرفته شده است .

در هر حال مملکت به وجود فارغ التحصیلان آموزشگاهها خیلی نیازمند است لذا توصیه میشود که در برنامه های آینده توسعه آموزشگاهها در درجه اول اهمیت قرار گیرد و تعداد هنرستانها به تدریج و به آهستگی افزایش داده شود . بجزا خواهد بود که آموزشگاههایی با دوره دو ساله تاسیس شود که در آن بقیست عملی

وفنی برنامه اهمیت مخصوص داده شود تا باین ترتیب سرعت بیشتری در پرورش کارگران ماهر تحقق یابد. توسعه سریع تعداد آموزشگاهها و هنرستانها بدون توجه به برنامه های آموزشی و کیفیت تدریس نتایج نیکوی در بر نخواهد داشت. در حال حاضر تنها مؤسسه ای که معلم برای مدارس حرفه ای تربیت میکند هنر سرای عالی فنی تهران (انستیتیوی تکنولوژی) است. تکنیسین هاییکه این مؤسسه تربیت مینماید سطح معلومات آنها بالاتر از فارغ التحصیلان هنرستانها و کمتر از مهندسين فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران میباشد. فارغ التحصیلان مؤسسه مزبور برای تدریس در مدارس حرفه ای در نظر گرفته شده اند.

تعلیمات کشاورزی :

بر خلاف تعلیمات و کارآموزی در رشته صنعت و خدمات چه در دانشگاهها و چه در دبیرستانها تعلیمات و کارآموزی کشاورزی در حال حاضر بیشتر جنبه آزمایشی دارد. بعنوان مثال یادآور میشویم که کوشش برای اجرای برنامه تعلیمات کشاورزی در کلاسهای پنجم و ششم دبستانهای روستائی و تعلیمات حرفه ای در سیکل اول دبیرستانهای کشاورزی مواجه با عدم موفقیت شده است.

نوع تعلیمات کشاورزی که برای محصلین واقع در سنین مدرسه متوسطه بیش از انواع دیگر مورد احتیاج است که حدود دو ساله برای پسرانی است بزرگتر - مکانیسم کشاورزی و فلاح با سایر مشاغل که احتیاج به تعلیمات تخصصی در کشاورزی دارد اشتغال ورزند در شهرستانها و بخشها کلاسی های چهار کلاسی جهت دانش آموزانیکه افلا دارند بدون فرا گرفتن معلومات تخصصی به کار کشاورزی بپردازند باید تاسیس شود. دونوع مدرسه کشاورزی فوق الذکر باید با تاسیس مراکز نمونه ای کشاورزی همراه باشد.

مؤسسات کنونی تربیت مهندسين و متخصصين کشاورزی برای اینکه بتوانند کشور را در این رشته مهم فعالیت اقتصادی تامین نمایند احتیاج مبرم به تقویت و تجدید نظر در سازمانهای خود دارند. متأسفانه کشور ایران تقریباً در

کلیه رشته های علوم کشاورزی و اقتصاد کشاورزی مواجه با کمبود نمایان کادر تحقیقاتی و متخصصین ترویج کشاورزی و معلمین صلاحیندار میباشد. مختصر توجیهی که اخیراً به تعلیمات کشاورزی میندول گردیده است برای رفع احتیاجات کشور کافی نیست.

سه برنامه مخصوص :

سازمان برنامه قسمتی از هزینه های تاسیس يك سازمان مخصوص توسعه تعلیمات سمعی و بصری در ایران را تأمین نموده است. سازمان سمعی و بصری جزء اداره هنرهای زیبا و وابسته به وزارت فرهنگ میباشد و تا پایان مدت برنامه سازمان مذکور باید کاملاً مجهز و تکمیل شده تا اینکه مسئولیت تأمین بودجه آن بعهده خود وزارت فرهنگ محول گردد.

وزارت فرهنگ برنامه ای برای تاسیس کلاسهای مبارزه با بیسوادی که از معلمین دبستانها و افسران ارتش جهت تدریس در آنها استفاده میشود در دست اجرا دارد.

ارتش و ژاندارمری نیز کلاسهای برای باسواد کردن افراد خود تاسیس نموده اند. برنامه مبارزه با بیسوادی وزارت فرهنگ تا کنون دقیقاً مورد سنجش و ارزیابی قرار نگرفته است تا بتوان قضاوت نمود که آیا صرف اعتبارات فرهنگی جهت برنامه فوق صلاح میباشد یا خیر. فقط متذکر میگردد که برنامه های مشابه این برنامه در سایر کشورها اغلب بی نتیجه بوده است.

کارشناسان نیروی انسانی سازمان برنامه در پیشنهاد اجرای برنامه وسیعی جهت توسعه تعلیمات حرفه ای در ارتش پیشقدم بوده اند. پیشنهاد فوق از لحاظ اینکه ارتش دارای نمونه هایی از جمعیت تمام مملکت میباشد بسیار جالب و عملی است. با استفاده از ارتش برای تعلیمات حرفه ای (و از جمله تعلیم بعضی اطلاعات و تجارب مخصوص کشاورزی) مشکل انتشار و ترویج این نوع تعلیمات در شهرستانهای دور دست و مخصوصاً در دهات برطرف میشود.

پیشنهاد مزبور از طرف بعضی از مقامات ارتش به دلیل اینکه افراد ارتش را از انجام وظائف مهمتری باز میدارد رد شده است. ولی بعقیده ما این تصمیم باید مورد تجدید نظر قرار گیرد در حال حاضر امیدی برای قبول این

پیشنهاد نیست مگر اینکه از طرف مقامات عالیتر مورد حمایت قرار گیرد.

خلاصه :

وزارت فرهنگ در زمینه طرح ریزی برنامه های فرهنگی فعالیت و ابتکار کافی از خود نشان داده است لیکن در تنظیم برنامه های خود سعی لازم در تعیین هدفهای منطقی و موزون که مبتنی بر مطالعات و بررسی های دقیق راجع بنیاز مندیها و منابع و امکانات موجود باشد ننموده است. چنین کاری مستلزم اینست که اولویت و تقدم طرحها با هدفها و سیستم تربیتی و فرهنگی کشور مورد مطالعه قرار گرفته و طرق صحیح اجرای واقعی این طرحها و هدفها معین گردد. بدیهی است که توجه بیشتری نسبت به تربیت معلمین چه برای تعلیمات عمومی و چه جهت مدارس حرفه ای کاملاً ضروری است.

عدم موفقیت نخستین برنامه تعلیمات کشاورزی باید مورد بررسی قرار گرفته و با تجدید نظر اساسی در هدفهای آن و تنظیم طرحهای تازه ای برنامه مزبور دنبال گردد. جهت و هدف کلی يك چنین برنامه تعلیمات کشاورزی قبلابیان شده است. ضمناً توصیه می شود که مسئولیت اجرای تعلیمات کشاورزی از وزارت فرهنگ به وزارت کشاورزی محول گردد کما اینکه در بیشتر کشورهایی که تعلیمات کشاورزی بنحو مؤثری پیشرفت نموده وزارت کشاورزی آن کشور مسئول اجرای آن بوده است.

مسائل دیگری که شایسته است هر چه زودتر مورد توجه قرار گیرد عبارتست از: (۱) تجدید نظر در برنامه تعلیمات عمومی (همچنین برنامه دانشگاهها) (۲) مطالعه پیروامون حقوق معلمین (۳) مطالعه وضع ساختمان مدارس که بسیاری از آنها در وضع بدی است. (۴) مطالعه درباره اینکه آیا استجاره ساختمانهای مدارس همان طور که تصور میشود رویهمرفته گرانتر از ساختمان مدارس بوسیله خود وزارتخانه و ادامه برنامه های ساختمانی کنونی میشود یا ارزانتر. احداث ساختمانهای جدید جهت مدارس در صورتیکه بتوان اعتبارات اضافی فرض نمود امکان پذیر خواهد بود. (۵) مطالعه درباره امکان «استاندارد» یا «مشکل نمون سبک» ساختمان مدارس به منظور کاهش هزینه های مهندسی و ساختمانی در آینده.

